



په اروپا کی دافغان پناهندگانو دتولنو فدراسیون فدراسیون سازمانهای پناهندگان افغان در اروپا

"قوماندان" سالاری ذخایر مخفی سلاح و نقش ناتو

قوماندانها" میراث نامیمون دوران جنگهای داخلی سالهای نود میلادی میباشد. بعد از بقدرت رسیدن مجدد سران تنظیمها در دسمبر سال ۲۰۰۱، "قوماندانها" نیز دوباره به افغانستان آمدند تا در قدرت باد آورده شریک شوند و در چپاول دالره‌های باد آورده از سایر شرکا پس نمانند. ناتو که در محلات به متنفذینی که با پول قابل خرید باشند، ضرورت داشت، از طرح رهبران تنظمی و کرسی مبنی بر تکیه به "قوماندانها" استقبال کرد.

طی چهارده سال حضور خود در افغانستان ایالات متحده "قوماندان" سالاری را تحمل نموده و برای حفظ حمایت آنها از برنامه های مورد علاقه خود با داخل شدن در معاملات اقتصادی با آنها به تقویت مالی آنها کمک نموده اند. همین کمکهای مالی و حمایت سیاسی سران تنظیمی از قوماندانها ایشان را به زورمندان محلی تبدیل نمود.

حمله مؤرخ ۲۹ جون ۲۰۱۵ ناتو بر قلعه "قوماندان" جان احمد در ۵ کیلومتری شهر چهاریکار و نا بودسازی یک ذخیرهٔ اسلحه پنهان شده توسط جان احمد، یک گام غیر منتظره بود. زیرا این "قوماندان" بحیث دستیار نزدیک عبدالله عبدالله در ولایت پروان، یک عنصر دولتی تلقی میشد. قرار معلوم هدف امریکایی ها صرفاً نابودی ذخیره گاه اسلحه بوده است. امریکایی ها اعلان کرده اند که از همچون انبار اسلحه در نزدیکی بزرگترین پایگاه شان در بگرام پروان، میتوانست علیه مصالح امنیتی امریکا استفاده شود. تجربه جهانی نشان داده که هرگاه مصالح امنیتی ایالات متحده مورد تهدید باشد پنتاگون به هیچکس رحم نمیکند. حتی به جان احمد که دوست دوست امریکا یعنی عبدالله عبدالله است. این حادثه یکبار دیگر حقایق ذیل را در رابطه با زورمندان محلی برجسته ساخت:

نخست: باوصف صرف صدها میلیون دالر در کمپاینهای متداوم خلع سلاح طی ۱۴ سال گذشته، زورمندان شریک در حکومت و مورد حمایت سران تنظیمی، مقادیر بزرگ اسلحه سبک و ثقیل را در مناطق قابل دسترسی خویش پنهان نموده اند. این ذخایر پنهان شده خطر بزرگی را برای ثبات و آرامش مردم افغانستان تشکیل میدهند. سوال اینجاست که اگر این زورمندان با نظام کنونی همکاری کنند، بایست بر نیروهای امنیتی دولتی که تعداد کارکنان آن تقریباً به ۴۰۰۰۰۰ میرسد، تکیه نموده و ذخایر سلاح و مهمات خود را در چوکات پروژه های مختلف خلع سلاح بدولت تسلیم میکردند. و اگر آنها با این دولت نیستند پس چرا بر امتیازات دولتی حق انحصاری ادعا میکنند؟ احمد

جان یگانه "قوماندانی" نیست که ذخیره گاه اسلحه داشت. "قوماندانهای" بزرگ تنظیمی، بصورت عموم شیوه معینی در رابطه با کمپاینهای خلع سلاح داشتند. یعنی سلاحهای سبک کهنه و زنگزده را به دالر تبدیل کردند و سلاحهای به اصطلاح کار آمد را در ذخیره گاه ها نگهداشتند و به آن افزودند.

ثانیاً: با حفظ ذخایر اسلحه، "قوماندانهای" نظیر جان احمد مرتکب عمل جرمی میشوند. مطابق به قوانین جاریه کشور بعد از اعلان تکمیل کمپاینهای خلع سلاح انحصارملکیت و حمل سلاح به دولت تعلق دارد. پس همه سلاحهای که نزد افراد باقیمانده، غیرقانونی بوده و ملکیت، نگهداری و حمل سلاح غیرقانونی جرم است. اصولاً بایست "قوماندان" جان احمد نیز توسط دولت دستگیر شده و بعد از طی مراحل دوسیه نسبتی اش به جرم ملکیت غیر قانونی یک انبار اسلحه سبک و سنگین مورد محاکمه قرار گیرد. رییس اجراییه که معمولاً از شفافیت و قاطعیت حرف میزند چرا درین مورد صرف به دفاع از متهم میپردازد؟

ثالثاً: "قوماندان" جان احمد که همچو سایر زورمندان محلی با شیوه تهدید و استفاده از زور عادت دارد بعضی معذرتخواهی از کتمان اینهمه اسلحه که میتوانست جان عدّه بیشماری از مردم را بگیرد از طریق طرفدارانش دست به تظاهرات خشونت آمیز زد. این تظاهرات و بستن اعتراضی راه کابل چهاریکار باعث شد که شهر چهاریکار برای یکروز فلج گردد. بسته شدن دکانها و دفاتر باعث زیان اقتصادی زیادی به متشبین خصوصی و حکومت محلی گردید. از جان احمد باید جبران خساره تقاضا میشد. اما در افغانستان زورمندان مافوق قانونند. شخص دوم دولت افغانستان شخصاً در همراهی با یک تعداد زیاد مامورین بالارتنبه دولتی برای معذرتخواهی از او و آرام ساختنش بخانه جان احمد رفتند. رییس اجراییه اعلان کرد که: "دولت افغانستان تعرض به مجاهدین را تحمل نمیکند". این بدین معنی است که ولو مجاهدین دست به اعمال جرمی هم بزنند، نه داخلی ها اجازه دارند مزاحم شان شوند و نه خارجی ها. در غیر آن هم مجاهدین قهر میشوند و هم دولت.

ببینیم نفع عملی ذخایر اسلحه برای قومندانسالاران چیست؟ ذخیره اسلحه زورمندان نظیر جان احمد در واقع پشتوانه قدرت محلی آنهاست. زورمندان محلی با همین پشتوانه، گروه ملیشایی خود را میسازند. از طریق آنها باشندگان شهر یا ولسوالی مربوطه خویش را با تهدید و تطمیع، تابع خود میسازند. بالای زیباترین دختران و پسران در قلمرو محلی خود دست میمانند و آنها را از آن خود میسازند. تعرض به جان و مال مردم محل رازورمندان محلی حق خداداد خود میدانند و از معافیت از مجازات هماطمینان کامل دارند. پروژه های انکشافی منطقه باید به فرد مورد نظر آنها داده شود در غیر آن جلو تطبیق آن را میگیرند. در انتخابات ولایتی و پارلمانی، مردم محل را مکلف میسازند به امر "قوماندان" به کاندیدی که مورد پشتیبانی "قوماندان" است رأی بدهند. و در انتخابات ریاست جمهوری هم زورمند محلی نقش تیکه دار آرای مردم محل را بازی نموده با تهدید رای دهندگان انتخابات محل را به فساد سوق میدهد. در واقع بزرگترین مانع انتخابات شفاف همین "قوماندانها" اند. زیرا اینها مانع ابراز اراده آزادانه مردم در جریان انتخابات میشوند. بعد از انتخابات باید وکیل دست نشانده "قوماندان" ترتیب آنرا بدهد که ولسوال و آمرپولیس محل به میل "قوماندان" تعیین گردند. حکام محلی که بدین طریق تعیین میشوند هیچگاه مانع فعالیتهای غیرقانونی "قوماندان" نمیشوند. این نوع حکام محلی در یک ردیف با قاچاقبران و مافیا به همین "قوماندانان" حق (کمیشن) هم میدهند. "قوماندانها" برای ازدیاد ثروت و تحکیم قدرت خویش هم مانع قانونیت میشوند و هم پروسه های تحکیم دموکراسی و رشد اقتصاد طبیعی و غیر جرمی را سد

میکنند. بدین ترتیب "قوماندانان" چون پارازیت خون مردم را میمکند و دولت را هرچه بیشتر غرق فساد میسازند. همزمان، طالبان بالای دولتی که قوماندانسالاری کمرش را خم ساخته است، حمله ور میشوند. رحمت الله نبیل رییس عمومی امنیت ملی بارها گفته است که قاچاق اسلحه و مهمات به پایتخت از طریق آن دروازه های کابل میشود که تحت کنترل زورمندان مورد حمایت وکلای ولسی جرگه و مقام های عالیرتبه دولت اند. یعنی زورمندان محلی با طالبان معامله میکنند و حملات تروریستی شان را تسهیل میکنند. بدین ترتیب می بینیم که "قوماندانان" و طالبان، آگاهانه در یک جهت کار میکنند: طولانی شدن جنگ افغانستان و دوام آلام ۳۵ ساله مردم جفا دیده افغانستان.

دراخیر میتوان گفت که "قوماندانان" سالاری پدیده شومیست که مانع رشد طبیعی اقتصاد شده با جرمی ساختن اقتصاد ملت را برای یک دوران طولانی به فقر و بدبختی سوق میدهد. همه بنا های اجتماعی سیاسی و فرهنگی کشور را به فساد کشانیده مؤثریت آن را بشدت کاهش میدهد. "قوماندانها" یک قشر طفیلی اند که در تولید اجناس و خدمات سهمی ندارند اما از طریق تهدید فشار و به فساد کشاندن سیاست، اقتصاد، سکتور خدمات و ارگانهای امنیتی خواستهای نامشروع و ضدمنافع مردم افغانستان را بر اجتماع تحمیل نموده به ثروت اندوزی مجرمانه میپردازند. آنها که حمایت رهبران تنظیمی را داشته و عده زیادی از اراکین بلندرتبه دولت را در فعالیتهای جرمی با خود شریک ساخته اند، اصولاً تفاهم متقابل با خارجی هانیز دارند. از بین بردن انبار اسلحه جان احمد شاید در جلوگیری از قتل عده از مردم ملکی کمک کند، اما با یک گل بهار نمیشود. حل مشکل قوماندانها مستلزم سالهای طولانی بوده فقط مردم افغانستان میتوانند با عمل متحدانه و قاطع این پدیده را به گورستان تاریخ بسپارند.

کمیته حقوق بشر فدراسیون سازمانهای پناهندگان افغان در اروپا

د پانو شمیره: له 3 تر 3

افغان جرمن آنلاين په درن بڼت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پتهله مور سره اړیکه ټینگه کړئ maqalat@afghan-german.de یادونه: دلیکنی د لیکنیزې بڼې پازوالی د لیکوال په غاړه ده، هیله من یو خپله لیکنه له رالیولو مخکې په خیر و لولئ